

# دکتر دنیل کی. دارکو، رساله‌های زندان، جلسه ۴

## اصل مطلب، کولسیان ۲

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه چهارم، اصل مطلب، کولسیان ۲ است.

به مجموعه سخنرانی‌های مطالعات کتاب مقدس در مورد رساله‌های زندان خوش آمدید.

همانطور که در دو سخنرانی آخر، دو یا سه سخنرانی، شروع کردیم، به برخی از مقدمات اساسی نگاهی انداختیم و فصل اول کولسیان را پوشش دادیم. در فصل اول کولسیان، توجه شما را به چند نکته، یعنی دعای پولس، شکرگزاری و برخی از نصایح جلب کردم و با صحبت در مورد پولس، خدمت او، پیام او و رنج شخصی او، به پایان رساندیم. وقتی داشتم سخنرانی آخر را تمام می‌کردم، کمی به فصل دوم پرداختم تا به شما نشان دهم که چگونه گاهی اوقات، در تحقیقات، به ابتدای فصل دوم، به ویژه از آیات اول تا پنجم، نگاه کرده‌ایم.

می‌خوانم. زیرا ESV پس اجازه دهید آن را سریع بخوانم تا توجه شما را جلب کنم. و من از روی نسخه می‌خواهم بدانید که چه تلاش بزرگی برای شما و برای کسانی که در لائودیکیه هستند و برای همه کسانی که مرا رو در رو ندیده‌اند، دارم. تا دل‌هایشان دلگرم شود و در محبت به هم پیوند خورند و به تمام غنای یقین کامل فهم برسند و نجات یابند.

و شناخت راز خدا، که مسیح است، که در او تمام گنجینه‌های حکمت و دانش نهفته است. از خواندن انگلیسی، ممکن است متوجه آنچه محققان با نگاه به یک متن یونانی مشاهده می‌کنند، نشوید. ممکن است متوجه این موضوع نشوید.

به نظر می‌رسد بحث پایان فصل اول در این چند آیه اول ادامه پیدا کرده است. بنابراین، برای مثال، دو روش برای خواندن ابتدای فصل دوم وجود دارد. در یونانی، کلمه‌ای که شروع می‌شود به معنی «ترجمه می‌شود».

این در واقع می‌تواند پیوند مستقیمی با بحث قبلی، به ویژه در مورد رنج پولس، ایجاد کند. سپس، به فصل دوم خواهیم رفت و به برخی از جزئیات و اهمیت این رنج اشاره خواهیم کرد، زیرا به مسائل فعلی کلیسا در کولسیه مربوط می‌شود. همچنین می‌توانید این را به معنای تأکید بر شروع یک بخش بسیار مهم بدانید که سعی در تکمیل بحث قبلی دارد.

بنابراین، می‌توانید در کتاب مقدس خود، در کتاب مقدس انگلیسی خود، یک وقفه برای شروع فصل جدید ببینید. و با این حال، وقتی تفسیرها را برمی‌دارید، ممکن است متوجه شوید که برخی از مفسران می‌گویند، نه ما دوست داریم از آیه ۲۹ تا آیه دوم و پنجم را بخوانیم، زیرا می‌بینیم که آن کلمه رابط در واقع ارتباط بین آیات اول تا پنجم را نشان می‌دهد. به خاطر کتاب مقدس انگلیسی شما، می‌خواهم به ابتدای فصل دوم ۲۹ برگردم تا بتوانیم بحث را در فصل دوم شروع کنیم، با این فرض که می‌توانیم خواندن آن را از آنجا شروع کنیم.

این به معنای نفی استدلال مهم در حمایت از این واقعیت نیست که شما می‌توانید در واقع پایان 29 را تا 1 بخوانید. بنابراین، بیاید به سرعت به نحوه ایجاد این پیوند نگاهی بیندازیم. همانطور که چند ثانیه قبل به شما اشاره کردم، این می‌تواند به عنوان ادامه این آزمون قبلی یا به عنوان یک پاراگراف جدید خوانده شود.

اگر آن را به عنوان یک پاراگراف جدید در نظر بگیریم، همانطور که من سعی می‌کنم اینجا انجام دهم، تمرکز این چند آیه، فصل دوم، آیات یک تا پنج، بر برجسته کردن ماهیت یا اهمیت، اگر دوست دارید، جوهره خدمت پولس در برابر زمینه نفوذ یا ظهور احتمالی آموزه‌های نادرست، ظهور آهسته آموزه‌های نادرست خواهد بود. در کلیسای کولسی، کلمه "زیرا" کلمه‌ای است که من به عنوان کلمه کلیدی از آن استفاده کرده‌ام، که می‌توانیم از آن برای بررسی اینکه آیا پاراگراف جدیدی را به هم متصل می‌کند یا آغاز می‌کند استفاده کنیم. در بحث پولس در فصل اول، او با این جمله شروع می‌کند: "می‌خواهم بدانید که چه مبارزه بزرگی".

کلمه مبارزه می‌تواند به نزاع ترجمه شود. تقریباً می‌توان گفت، می‌خواهم شما از چیزهای بزرگی مطلع شوید، و هر زمان که به این آزمون می‌روم و متوجه می‌شوم، متعجب می‌شوم، خب، این فقط به این معنی نیست که من در حال مبارزه بودم زیرا پولس سهم خودش را از مبارزه در خدمت داشته است. اما در اینجا او گفت، می‌خواهم شما از مبارزه بزرگ من مطلع شوید.

و خواهید دید که او اشاره می‌کند که این مبارزه در واقع برای خوانندگان است. می‌توان این سوال را مطرح کرد که چرا پولس می‌گوید این یک مبارزه برای شماست؟ و سپس بگوید، خب، این برای کسانی هم هست که من رو در رو ملاقات نکرده‌ام. بحث در تحقیقات به این شکل پیش می‌رود.

احتمالاً چهره‌های آشنایی در کلیسای کولسی وجود دارند. برای مثال، اپافراس کسی بود که پولس می‌شناخت. ممکن است افرادی باشند که پولس آنها را می‌شناخت و ما بعداً برای دیدن فیلمون به آنجا خواهیم آمد.

در رساله‌ی فیلمون، به نام‌هایی اشاره می‌کنیم که با شناخت پولس از چهره‌های خاص در کولسی آشنا هستند. بنابراین، ممکن است افرادی در این کلیسا باشند که پولس واقعاً آنها را می‌شناخت. و در اینجا کاری که می‌بینیم پولس انجام می‌دهد، شاید جلب توجه بیشتر به برخی از کسانی است که او را می‌شناسند و می‌گوید، می‌دانید، من تمام این مدت برای شما زحمت کشیده‌ام.

و من همچنین برای ایمانداران در لائودیسیا تلاش می‌کنم. این نام، شاید، یکی از نام‌هایی نباشد که شما دوست دارید در انگلیسی تلفظ کنید و از آن لذت ببرید. اما بگذارید توجه شما را جلب کنم، شاید

بیاید به اشاره دیگری به این نام خاص در مکاشفه نگاهی بیندازیم. این به ما ایده‌ای از آنچه بعداً در این کلیسا اتفاق می‌افتاد، می‌دهد. این بعد از کولسیان است.

این مکاشفه فصل ۳ از آیه ۱۴ است. من فقط به شما یک نگاه اجمالی به این کلیسای لائودیکه می‌دهم. همین کلیسای لائودیکه در فصل ۴ کولسیان ذکر خواهد شد.

سعی می‌کنم این را گیر بیاورم و بخوانم. مثلاً در مکاشفه یوحنا، فرشته به کلیسای لائودیکه، همان کلیسایی که اینجا به آن اشاره شده است، گفت. شهری که در ابتدای این سخنرانی به آن اشاره کردم، یکی از شهرهای سه‌گانه در دره لیکوس است.

از جمله هیراپولیس. از هیراپولیس نیز نام برده خواهد شد. اما این کلیسا، کلیسای است که در مکاشفه یوحنا آمده است.

به طور خاص در مکاشفه ۳ آیه ۱۵ ذکر شده است. من اعمال تو را می‌دانم. تو نه سردی و نه گرم

اما کاش شما هم یکی از اینها بودید. ما نمی‌دانیم از این زمان نگارش نامه و بین این نامه و پس از وحی چه اتفاقی افتاده است. اما اگر متن مکاشفه را بخوانید، آنچه به وضوح اتفاق می‌افتد، همین است.

شما قرار است کلیسای را ببینید که درگیر نوعی سبک زندگی است که چندان ستودنی نیست. در اینجا پولس به کلیسای کولسی، که تنها ۱۲ مایل با کلیسای لائودیکیه فاصله دارد، یادآوری می‌کند که او برای آنها تلاش کرده است.

و او همچنین برای آن کلیسای لائودیکیه مبارزه کرده است. او همچنین، همانطور که در انتهای آیه ۱ رساله به کولسیان گفت، مبارزه کرده است. او همچنین برای کسانی که رو در رو با او ملاقات نکرده‌اند، مبارزه کرده است.

محققان این را به عنوان نشانه ای قوی مبنی بر اینکه پولس از این شهر خاص بازدید نکرده است، در نظر گرفته‌اند، که بسیار بسیار محتمل است. اما به آیات ۲ و ۳ توجه کنید. در یونانی با یک هدف شروع می‌شود، نوعی اشاره که به ما می‌گوید این هدف است.

به همین دلیل است که پولس این حرف را می‌زند. او می‌خواهد در واقع هدف خود را به روشنی بیان کند. بنابراین، او می‌گوید، می‌نویسد، و این به این معنی است.

تا دل‌هایشان دلگرم شود. در محبت با هم پیوند خورند. تا به تمام غنای یقین کامل فهم و معرفت راز خدا که مسیح است، دست یابند.

که در او تمام گنجینه‌های حکمت خدا نهفته است. بنابراین، در صدر فهرست او، او برای آنها تلاش می‌کند. او برای مؤمنان لائودیکیه تلاش می‌کند.

او همچنین برای کسانی که او را رو در رو ندیده‌اند، در حال مبارزه است. چرا؟ او در حال مبارزه است، و آنها باید بدانند که مبارزه او فقط این نیست که بخواهد برود و خود را در نوعی حالت رنج قرار دهد تا بتوانند او را یک شهید بزرگ بنامند. نه.

رنج او تماماً معطوف به رسیدن به این هدف است. آنها ممکن است در قلبشان تشویق شوند، پس اجازه دهید در اینجا مکث کنم و درباره کلمه قلب صحبت کنم.

در انگلیسی، وقتی از کلمه قلب استفاده می‌کنیم یا در عبارات معمول انگلیسی وقتی از کلمه قلب استفاده می‌کنیم، تمایل داریم آن را احساسی‌تر جلوه دهیم. من آن را در قلبم احساس می‌کنم. من یک همکار دارم که به خاطر کلمات و حرکات مهربانش شناخته شده است و دوست دارد بگوید، قلبت را متبرک کن.

و این عبارات، وقتی بیان می‌شوند، به نظر می‌رسد که بیان احساسی‌تری را منتقل می‌کنند. اما پولس، من در حال مبارزه هستم. من این مبارزه بزرگ را از طرف تو انجام می‌دهم تا تو در قلبت دلگرم شوی. قلب در فرهنگ مدیترانه‌ای یونان در آن زمان، حسی فراتر از احساسات را در خود جای داده است.

این به معنای حذف احساسات نیست، اما مرکز اراده است. این مرکز زندگی است - مرکز شور و اشتیاق

و گاهی اوقات، می‌تواند جایگاه حکمت باشد. و بنابراین اگر قلب آنها تشویق شود، ذهنشان روشن شود، تمام حس وجودشان شعله‌ور شود، و آنها قادر خواهند بود در مسیر آنچه خدا از آنها انتظار دارد، قرار گیرند. پولس تلاش می‌کند تا آنها تشویق شوند.

نه فقط به هر طریقی تشویق شوند، بلکه از مرکز قلبشان یا مرکز زندگی‌شان تشویق شوند. او همچنین این مبارزه بزرگ را دارد تا آنها متحد شوند یا با هم باشند، بسته به اینکه چگونه آن عبارت را ترجمه کنید، در عشق. او تمام این راه را طی می‌کند تا آنها آن حس وحدت را داشته باشند.

یکی از پیامدهای بزرگ یا طبیعی نفوذ آموزه‌های نادرست، ورود به کلیسا و ایجاد تفرقه بین مردم و طرح انواع سوالات توسط برخی است، همانطور که به عنوان مثال در کلیسای قرنتس می‌بینیم. می‌دانیم که وقتی نوع دیگری از آموزه وجود داشت که در کلیسای قرنتس اول کاملاً قابل ستایش نبود، برخی می‌گفتند: من به مسیح تعلق دارم. برخی می‌گویند: من به پولس، شاید آن معلم بزرگ، تعلق دارم.

و برخی می‌گویند که آنها متعلق به کیفا یا پطرس، رهبر حواریون، هستند. ما شخصیت‌های دخیل در این ماجرا را نمی‌شناسیم، اما شاید برخی بگویند که من متعلق به کسی هستم که در واقع با عیسی بود. و با این حال، برخی گفتند که آنها متعلق به آپولوس هستند.

و این کاری است که آموزه‌های نادرست قادر به انجام آن هستند. آپولوس یک شخصیت کاریزماتیک است. اگر این شخصیت را در کتاب اعمال رسولان ۱۸ فراموش کرده‌اید، او یک شخصیت کاریزماتیک اهل اسکندریه بود.

در برهه‌ای از زمان، او در سخنرانی‌ها و اعلامیه‌هایش چنان شیوا و فصیح بود که مردم مجذوب او می‌شدند. با این حال، الهیات او چندان خوب نبود. و پرسیلا و آکیلا او را به کناری می‌بردند تا الهیاتش را اصلاح کنند.

در رساله اول قرنتس، می‌بینیم که مردم صرفاً از این افراد پیروی می‌کنند، زیرا نوعی القای آموزه وجود داشته که باعث انواع مشکلات می‌شود. اینجا در کولسی، ما از آنچه در حال رخ دادن است مطمئن نیستیم، اما می‌دانیم که پیامد طبیعی نفوذ آموزه‌های نادرست این است که مردم احتمالاً با هم نیستند. پولس می‌گوید: من این مبارزه بزرگ را دارم تا شما با هم مورد نیاز باشید، نه با هم به عنوان همدم، بلکه با هم در عشق.

او همچنین برای بار سوم به این نکته اشاره می‌کند که هدفش این است که آنها بتوانند راز را بدانند. و راز این است که چه کسی؟ مسیح. همانطور که در سخنرانی‌های قبلی اشاره کردم، پولس قصد دارد آنچه را که ما مسیح‌شناسی والا می‌نامیم، به زبان آکادمیک نشان دهد.

او برتری مسیح را بالاتر از همه چیز و در همه چیز نشان می‌دهد تا افرادی که فریب خورده‌اند یا به آموزه‌های نادرست گرایش پیدا کرده‌اند، به بی‌ارزشی چنین آموزه‌هایی پی ببرند و برگردند تا افکار، زندگی و باورهای خود را تنها بر مسیح متمرکز کنند. بنابراین در اینجا می‌گوید، من این مبارزه بزرگ را برای شما دارم. سوم، تا شما راز خدا را بشناسید.

شما می‌توانید تمام غنای یقین کامل به فهم و معرفت سر خدا را بشناسید. و او در پایان آیه دوم ادامه می‌دهد که مسیح، که مسیح است.

آیا گفتگویی که در مورد سرود مسیح داشتیم را به خاطر دارید؟ آیا قبلاً در فصل اول به یاد دارید که چگونه او به طرز باشکوهی در مورد مسیح صحبت می‌کند، زیرا در واقع توجه را به آنچه خدا با کلیسا در مسیح انجام داده است، به عنوان مبنایی که آنها باید ایمان خود را تقویت کنند، تمرکز خود را حفظ کنند و تسلیم تأثیر آموزه‌های نادرست نشوند، جلب می‌کند. پولس در آیه سوم ادامه می‌دهد و در واقع مشخص می‌کند، که این مسیحی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم کیست. او می‌گوید، در این مسیح، اگر مطمئن نیستید، تمام معیارها، تمام گنجینه‌های حکمت و دانش پنهان است.

شاید تا این لحظه فکر کنید که این مرد چقدر شیفته‌ی دانش، خرد و فهم است. اما بیایید لحظه‌ای مکث کنیم. دوباره، بیایید خلاصه یا بیایید از فصل اول شروع به تأمل کنیم.

به کلماتی که تاکنون در مورد چگونگی پرورش مسیحیان برای مقاومت در برابر تأثیر آموزه‌های نادرست با آنها برخورد کرده‌اید، فکر کنید. به کلماتی مانند یادگیری فکر کنید. به کلماتی مانند دانش فکر کنید.

به کلماتی مانند فهمیدن فکر کنید. به کلماتی فکر کنید که در واقع به نوعی شاگردی در قالب رشد شناختی اشاره دارند. و در اینجا او می‌گوید، در واقع در مسیح تمام گنجینه‌های حکمت و دانش پنهان است.

و سپس پولس به آیه چهارم می‌رود. تا دلیل دیگری برای مبارزه بزرگ خود ارائه دهد. این را می‌گوییم تا کسی شما را گمراه نکند.

به عبارت دیگر، من این را می‌گویم و این را مطرح می‌کنم تا کسی شما را با استدلال‌های موجه فریب ندهد تا شما را به چیزی متقاعد کند که قرار نیست تسلیم آن شوید. اگرچه من در جسم غایب بودم، البته او در زندان بود. با این حال، من در روح با شما هستم و از دیدن نظم خوب شما و استحکام ایمانتان به چه چیزی؟ مسیح، شادمانم.

ایمان شما که ریشه در مسیح دارد، در کیستی مسیح است، در مسیح و در خداوندی مسیح تثبیت شده و زیسته است. اجازه دهید فقط یک نکته، فقط یک نکته فرعی را اینجا مطرح کنم تا توجه شما را به کلمه روح جلب کنم. اغلب این موضوع مورد بحث بوده است که بفهمیم کلمه روح در اینجا به چه معناست.

آیا منظور روح انسان است یا روح القدس؟ اگر کتابی در مورد کولسیان در دست دارید، ممکن است بیش از سه جمله را ببینید که سعی در روشن کردن این موضوع دارند، به خصوص در میان مفسران. به نظر می‌رسد اینجا می‌بینیم، نشان می‌دهد که به روح انسان اشاره دارد. با این حال، از ESV متن بیشتر ترجمه‌ای را که در نظر فرهنگی، روح انسان لزوماً جدا از برخی مؤلفه‌های معنوی نیست.

به عبارت دیگر، در انسان‌شناسی باستان، وقتی می‌گوییم من یک شخص هستم، به این معنی نیست که من فقط یک موجود فیزیکی هستم. من بدن، روح و روان دارم. و بنابراین، روح و بدن اغلب در هم تنیده هستند.

و به همین دلیل است که ممکن است در مورد نحوه ترجمه این موضوع بحث‌هایی را ببینید یا با آنها مواجه شوید. با این حال، در کتاب مقدس انگلیسی خود می‌بینید که بسیاری از مترجمان تسلیم روح به عنوان یک روح انسانی می‌شوند. از اینجا، این بخشی از آیات ۱ تا ۵ است که توجه شما را به آن جلب می‌کنم.

این می‌تواند به عنوان دنباله‌ای بر فصل ۱ یا به عنوان پاراگرافی متفاوت که در واقع ماهیت یا اهمیت خدمت پولس را بیان می‌کند، مورد استفاده قرار گیرد یا در نظر گرفته شود. از اینجا، خواهیم دید که پولس به اصل

مطلب می‌پردازد. او در ادامه به بیان چیزی خواهد پرداخت که محققان گاهی اوقات آن را به عنوان جمله‌ی طعنه‌آمیز رساله‌ی کولسیان تلقی می‌کنند.

نمی‌دانم چند سالم بود. می‌دانم که احتمالاً فکر می‌کنید جوان هستم. از تعریفان ممنونم.

اما نمی‌دانم چند سالم بود که کولسیان ۲ آیه ۶ را حفظ کردم، حتی نمی‌دانستم که متن آن چقدر مهم است. بنابراین گاهی اوقات، دوست دارم دانش‌آموزان را با ایستادن و گفتن «می‌دانید چیست، کولسیان ۲ آیه ۶» تحت تأثیر قرار دهم، همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، در او سلوک کنید. و بعد کلماتی وجود دارد که اینجا به خوبی به انگلیسی ترجمه نشده‌اند.

را ترجمه کنم یا اگر آن را دوباره ترجمه ESV در زبان یونانی، ما آنها را وجه وصفی می‌نامیم. و اگر ترجمه کنم، آن را به عنوان ریشه داشتن، بنا شدن در او و استوار شدن در ایمان ترجمه خواهم کرد، همانطور که به شما آموخته شد که سرشار از شکرگزاری باشید. باز هم، جنبه آموزشی را در آنجا می‌بینید، مؤلفه آموزشی مقابله با آموزه‌های نادرست.

بنابراین بیاید به این دو آیه خاص که برای کولسیان بسیار مهم هستند، نگاهی بیندازیم و آنها را کمی از هم جدا کنیم. خوب، منظور از «دریافت کردن» در آیه ۶ چیست؟ آنها چه چیزی را دریافت می‌کنند؟ آیا اشاره‌ای به سنتی است که این کلیساهای جدید بر اساس آن ساخته شده‌اند؟ زیرا ما در عهد جدید اشارات زیادی داریم که از کلمه «دریافت کردن» در اشاره به دریافت سنت استفاده می‌کنند، همانطور که شما دریافت کرده‌اید. اما واضح است که در کولسیان و آیه ۶، پولس در آن جمله علاقه‌ای به صحبت مستقیم در مورد سنت ندارد.

اما گاهی اوقات، وقتی در مورد دریافت صحبت می‌کنیم، برخی به دلیل بحث زیر که به وضوح کلمه تعمید را، در رابطه با رنج مسیح بیان می‌کند، به دریافت خداوندی عیسی مسیح در غسل تعمید فکر کرده‌اند. خوب آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که متن به معنای واقعی کلمه اینگونه خوانده می‌شود، همانطور که شما مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، پس در او گام بردارید. بنابراین، هدف واضح است، همانطور که شما مسیح عیسی را پذیرفته‌اید، پس در او گام بردارید.

بنابراین، طبیعی‌ترین روش برای خواندن آن، فکر کردن به پذیرش مسیح است، نه سنت. و لزوماً نباید دریافتن شیء پذیرفته‌شده را به غسل تعمید نسبت داد. بله، این کلمه در جای دیگری نیز برای اشاره به آن استفاده شده است.

اما اینجا او به پذیرش مسیح اشاره می‌کند. یادتان باشد که به شما گفتم مسیح برتر است. او در همه چیز حضور دارد.

او همه چیز را آفرید. او در همه چیز در کولسیان حضور دارد. و او بر همه چیز برتر است.

ما در رساله کولسیان چیزی داریم که آن را مسیح‌شناسی والا می‌نامیم. چرا؟ تا مردم تسلیم آموزه‌هایی نشوند که آنها را از جایی که مسیح می‌خواهد باشند - یعنی اصل مطلب - دور می‌کند.

بنابراین، از گفته قبلی نتیجه می‌گیریم: همانطور که مسیح عیسی را پذیرفتید، پس راه بروید. کلمه راه رفتن در آنجا به معنای واقعی کلمه راه رفتن یا راه رفتن به عقب نیست.

را ترجمه کند. بنابراین، شاید conduct اما بیشتر در مورد سلوک، روش زندگی است. کلمه یونانی می‌تواند به walk در برخی از ترجمه‌های انگلیسی خود، متوجه شوید که این کلمه به کار نمی‌رود، کلمه تحت‌اللفظی این صورت ترجمه نشده است.

اما این به معنای یک روش زندگی است. همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، زندگی مسیحی خود را نیز زندگی کنید. و در انجام این کار، ریشه داشته باشید.

به آن نگاه کنید. اصطلاحات باغبانی اینجا به کار رفته است. اگر باغبانی خیلی کلی باشد، دوست دارم از این کلمه استفاده کنم، اصطلاحات کشاورزی.

این تمدنی است که اکثر مردم با آن بسیار آشنا هستند. مسائل کشاورزی و معماری می‌دانید، در انگلیسی، ما همه این اصطلاحات مربوط به ستون‌های کورینتی و همه چیزهایی که به ستون‌های کورینت باستان اشاره دارد را داریم.

برخی از این مکان‌ها در آن زمان معماری و فعالیت‌های کشاورزی پیشرفته‌ای داشته‌اند. بنابراین، وقتی پولس، از برخی از این زبان‌ها استفاده می‌کند، آنها چندان از شنوایی مردم متمایز نخواهند بود. و به عبارت دیگر، ریشه‌دار بودن، آنها در واقع می‌توانستند آن را از این طریق درک کنند.

آنها می‌توانستند آن را از نظر خاک حاصلخیزی که بذر روی آن کاشته می‌شود، درک کنند. بذر رشد می‌کند و ریشه چنان پایه محکمی دارد که می‌تواند محکم و قوی بایستد، به طوری که در میان طوفان‌ها، این درختان یا گیاهان نمی‌شکنند یا خم نمی‌شوند یا در واقع مسیر خود را از دست نمی‌دهند. بنابراین، همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، در او نیز گام بردارید.

ریشه داشتن، محکم و استوار بودن در او. سپس او اصطلاح دیگری را به کار می‌برد، اصطلاح معماری، که در او ساخته می‌شود. این یک اصطلاح معماری است که بیشتر به پایه و اساس یک ساختمان بزرگ اشاره دارد.

که احتمال وقوع زلزله در آن زیاد است، بر روی یک پایه محکم ساخته شده‌اید. این پایه می‌تواند در برابر همه این‌ها مقاومت کند. حال، اگر شما بر روی این پایه ساخته شده باشید، وقتی نیروها تازه می‌آیند، وقتی طوفان‌ها می‌آیند، وقتی چیزهای دیگر می‌آیند، به هیچ وجه تاب نمی‌خورید، نمی‌شکنید یا خرد نمی‌شوید، زیرا در مکانی محکم قرار دارید.

در واقع، انگار پاول حرفش را تمام کرده باشد، از کلمه دیگری استفاده کرد. در اینجا، باید مراقب باشم که چگونه بیش از حد بر بخش حقوقی این کلمه خاص تأکید می‌کنم. این اصطلاح بعدی است که پاول استفاده می‌کند و جدا از زبان باغبانی و معماری، در اینجا یک اصطلاح حقوقی است.

این اصطلاحی است که معمولاً معنای اعتباربخشی به چیزی، تثبیت چیزی را به همراه دارد. و برای اینکه او بگوید، در واقع، شما باید در ایمان تا حدی تثبیت یا تأیید شده باشید که اعتبار و مبانی شما، مبانی‌ای که در ایمان بر آنها ایستاده‌اید، تزلزل‌ناپذیر باشند. بنابراین، توجه داشته باشید که او اینجا چه می‌کند.

او از زبانی استفاده می‌کند که برای آنها بسیار بسیار آشناست تا یک جمله‌ی محکم را بیان کند. بنابراین همانطور که مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اید، رفتار کنید، در این نوع زندگی زندگی کنید. این را شیوه‌ی زندگی‌ای قرار دهید که می‌خواهید اتخاذ کنید.

و در انجام این کار، به کشاورزی فکر کنید. و در او ریشه بدوانید. اگر این برایتان آشنا نیست، به معماری فکر کنید.

و بر پایه و اساس محکمی بنا شود. و اگر این کافی نیست، به مسائل حقوقی فکر کنید. در او بنا نهاده شود، تأیید شود یا اعتبار پیدا کند.

راه دیگری برای روشن کردن این تصویر، روشی است که در چند دقیقه یا چند ثانیه دیگر ارائه خواهم داد، اما من به عنوان یک معلم نمی‌خواهم از کنار عبارت انتهای جمله، همانطور که به شما آموخته شده است ساده بگذرم. همانطور که به شما آموخته شده است، برای مقابله با آموزه‌های نادرست، مهم است که فرآیندهای ذهنی افراد شکل گرفته و تغییر کنند.

و این بر شیوه زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. و بنابراین در اینجا تأکید نه تنها بر بُعد شناختی که من در این دست‌ورعمل بر آن تأکید می‌کنم، بلکه در واقع اکنون بُعد دیگری را می‌بینیم که صریح و آموزشی است. همانطور که به شما آموخته شده بود، قرار بود این را بدانید.

همانطور که به شما آموخته شده بود، قرار بود در این [ریشه بدوانید، مستقر شوید و در آن] مستقر شوید. اگر این [خوب جواب می‌دهد، پس یک زندگی مسیحی را تصور کنید که با این نوع تصویرسازی زیسته شده است. اکنون سه بُعد را به وضوح می‌بینید.

و شما می‌گویید، اگر این تعریف، پایه و اساسی است که فرد در مسیح در کولسی دارد، آیا تأثیر معلمان دروغین که منجر به یک چارچوب مذهبی التقاطی می‌شود، دلیلی خواهد داشت؟ پاسخ منفی است، زیرا تأکید همیشه بر مسیح بوده است. مسیح باید کسی باشد که در او ساکن هستید، به او ایمان دارید، از طریق او که نجات یافته‌اید. و او در واقع الگوی شماست.

شما او را پذیرفته‌اید، در او گام بردارید. همانطور که جیمز دان می‌گوید، همانطور که به شما آموخته شد، ریشه‌کشی، پایه‌گذاری، تضمین و ارائه شخصیت تعلیم در تأسیس کلیسای جدید را تأیید می‌کند. این تعلیم چیزی اضافه بر انجیل یا کم‌اهمیت‌تر از آن نبود.

این برای یک جامعه ایمانی جدید اساسی بود و آن را تشکیل می‌داد. از اینجا، به ادامه‌ی جمله‌ی تعلیمی می‌رویم، و پولس از آیه‌ی ۱۸، از ۸ تا ۱۵، شروع به باز کردن می‌کند، ببخشید. و من خواندم، مراقب باشید که هیچ‌کس شما را اسیر فلسفه و فریب پوچ نکند، مطابق سنت بشری، مطابق با ارواح ابتدایی جهان، و نه مطابق با مسیح.

زیرا در او، تمامی کمال الوهیت از نظر جسمانی ساکن است، و شما در او که سر همه ریاست‌ها و قدرت‌هاست، پر شده‌اید. در او نیز ختنه شده‌اید، به ختنه‌ای که بدون دست انجام شده است، یعنی با کنار گذاشتن بدن جسمانی، به وسیله ختنه مسیح. آیه ۱۲، آیا در تعمید با او دفن شده‌اید، که در آن نیز با او برخیزانیده شده‌اید به ایمان به کار قدرتمند خدا که او را از مردگان برخیزانید.

و شما که در گناهان و نامختونی جسم خود مرده بودید، خدا با او حیات بخشید و با لغو سند مرگ که با الزامات قانونی خود علیه ما ایستاده بود، تمام گناهان ما را بخشید. این کنار گذاشته شده است؛ او بر روی صلیب زانو زد، حاکمان و قدرت‌ها را خلع سلاح کرد و با پیروزی بر آنها، آنها را آشکارا رسوا کرد. من این متن را در او دوست دارم.

من متنی را دوست دارم که قدرت خدا و نمایش کامل شکست‌های قدرت‌ها در آنچه مسیح انجام داده است را نشان می‌دهد. اما قبل از اینکه جلوتر برویم، بیایید در این متن نکاتی را بررسی کنیم. شاید بخواهید توجه داشته باشید که در این متن، یک هشدار بزرگ و همچنین زیربخش‌هایی مطرح می‌شود.

همچنین ممکن است متوجه شوید که در این هشدار، مستقیماً به هوشیاری فراخوانده شده است و کلمه فلسفه در این کلمه، در این متن خاص، خودنمایی می‌کند. در واقع، به همین دلیل است که اگر به یاد داشته باشید، در مقدمه اشاره کردم که برخی فلسفه‌ها در جریان بوده‌اند. این عمدتاً به دلیل این آیه خاص و ذکر فلسفه در اینجا است.

خواهید دید که این فلسفه به اشکال مختلف آشکار خواهد شد. همانطور که به آنچه در این متن می‌گذرد توجه می‌کنید، ممکن است متوجه شوید که این متن فراخوانی برای هوشیاری است. فراخوانی برای هوشیاری به شیوه‌ای که در واقع مسئولیت شخصی را ایجاب می‌کند.

زمان‌ها و ساختار یونانی نشان می‌دهد که این کاری است که شما می‌توانید خودتان انجام دهید. به لطف خدا، بیایید آن را با این توصیف کنیم، حتی اگر پولس در متن چنین چیزی نگفته باشد.

خودت می‌توانی این کار را انجام دهی، و این از تو انتظار می‌رود. و با انتظار این برای خودت، می‌خواهی ماهیت این فلسفه‌ای را که اینجا درباره‌اش صحبت می‌کنیم، بفهمی. تمام فریب‌پوچی که اینجا جریان دارد.

منبع آن طبق سنت بشری است. نه از جانب خدا است و نه از جانب مسیح. محتوا مطابق چیزی است که در اصطلاحات یونانی ما آن را استویکیا به سوی کاسمو می‌نامیم.

ببخشید که با آوردن کلمه یونانی مزاحم شما شدم. تا الان جلوی خودم را گرفته بودم که هیچ کلمه یونانی را وارد بحث نکنم. اما به خاطر شما، بیایید از این کلمه که به عنوان روح عنصری ترجمه می‌شود، استفاده کنیم.

و به روح بنیادی بچسبید، زیرا حتی متنی که قبلاً در مورد آن خوانده بودم، این عبارت را به عنوان روح بنیادی ترجمه کرده بود، زیرا باید بتوانیم بفهمیم که آن چیست. اگر چهار کتاب مقدس انگلیسی داشته باشید و آنها را بخوانید، خواهید دید که آنها کلمه را به یک شکل ترجمه نمی‌کنند. پس از این، پولس در واقع نکته اصلی را که سعی در تأکید بر آن دارد، برجسته می‌کند.

این فلسفه، اصل مطلب، از مسیح نیست. از مسیح نیست. باید از مسیح باشد.

اما همه اینها از مسیح نیست. بنابراین، بیایید برگردیم و ببینیم آن عبارت چیست. این عبارات یونانی که گاهی اوقات همه این دانشگاهیان می‌گویند، و شما حتی نمی‌دانید چه اتفاقی دارد می‌افتد، برای شما یونانی به نظر می‌رسند. اما بیایید سعی کنیم بفهمیم چه اتفاقی دارد می‌افتد و چرا ممکن است ترجمه‌های مختلفی در کتاب مقدسی که استفاده می‌کنید، داشته باشید.

این عبارت در واقع می‌تواند به عناصر یا اصول اساسی آموزه‌های دینی اشاره داشته باشد یا به آنها اشاره کند. بنابراین، برخی آن را به گونه‌ای ترجمه می‌کنند که آن معنا را داشته باشد. دوم، می‌تواند به معنای بخش عنصری از جهان مادی در کیهان‌شناسی یا جهان‌بینی یونان باستان نیز باشد.

این شامل چیزهایی مانند آب، هوا و آتش خواهد شد. و در واقع، کسانی که در صحبت کردن در مورد قدرت‌های معنوی، شیاطین و همه این موارد خیلی راحت نیستند، بیشتر احتمال دارد به یکی از این دو

ترجمه تکیه کنند. ترجمه‌ای که در میان برخی از ترجمه‌های اخیر پیدا می‌کنید، به این ارواح عنصری از نظر قدرت‌های معنوی اشاره دارد.

یکی از چهره‌های اصلی این بحث، محقق است که قبلاً به او اشاره کردم و درک او از هدف کولسیان اکنون همان برداشتی است که همه ما فکر می‌کنیم به بهترین شکل ممکن آنچه را که در این آزمون اتفاق می‌افتد توضیح می‌دهد. نام او کلینت آرنولد است که در دانشگاه بیولا تدریس می‌کند. کلینت استدلال می‌کند که این عبارت باید با ادبیات باستانی که او از نزدیک مطالعه می‌کند و تمام شواهدی که در رابطه با این عبارت خاص ارائه می‌دهد، به بهترین شکل درک شود. بهترین راه برای درک آن، درک آن به عنوان چیزی است که یک مؤلفه معنوی در آن وجود دارد. بنابراین، به عبارت دیگر، آموزه‌های این چهار معلم از سنت بشری سرچشمه می‌گیرد و آموزه‌های آنها نیز مطابق با نوعی فعالیت معنوی شیطانی است و واضح است که آنها از مسیح نیستند.

کلینت در تلاش برای توضیح این کلمه می‌نویسد، استوئیشیا برای موجودات روحانی در آزمون‌های مذهبی فارسی، پاپروس‌های مازیکا، آزمون‌های طالع‌بینی و برخی اسناد یهودی استفاده می‌شود. بنابراین، این کلمه، همچنان اصطلاح دیگری را در گنجینه اصطلاحات پولس نشان می‌دهد که به قدرت تاریکی در کولسیان همراه با ریاست‌ها، قدرت‌ها، مقامات و تخت‌ها اشاره دارد. نکته اساسی آموزه پولس در اینجا این است که آموزه خطرناک در کولسی ریشه شیطانی دارد.

یکی دیگر از همکاران که در ویتون تدریس می‌کند، اضافه خواهد کرد که اکثر مردم باستان، جهان مادی و معنوی را به شکلی که ما امروزه تشخیص می‌دهیم، به طور دقیق از هم متمایز نمی‌کردند. به طور خاص، اجرام آسمانی به طور منظم با موجودات معنوی مرتبط یا حتی با آنها یکی دانسته می‌شوند. از این رو بسیاری از مفسران در کولسی از ارواح آسمانی صحبت می‌کنند. اگر بفهمید که اینجا چه می‌گذرد، یا اگر به این فکر پایبند باشید، وقتی به افسسیان برسیم، برخی از چیزها آسان‌تر می‌شوند زیرا افسسیان استدلال مشابهی را مطرح می‌کند تا جایی که زندگی قبل از مسیح در واقع زندگی‌ای است که تحت تأثیر دنیای بدون مسیح، قدرت‌های معنوی شیطانی جهان و خواسته‌های نفسانی قرار دارد.

افسسیان برخی از این اجزای دنیوی انسانی را در افسسیان ۲، آیات ۱ تا ۳، به همان شکلی که در کولسیان می‌بینیم، قرار می‌دهند. اگر این چارچوب را درک می‌کنید، پس بیایید دوباره به آن آزمون، آیات ۸ تا ۱۵ نگاهی بیندازیم. شما با وضوح بیشتری متوجه می‌شوید که در او، یعنی در مسیح، که در او کمال خدا ساکن است، به کمال زندگی رسیده‌اید.

بنابراین، کلیسا نیازی به نگرانی در مورد هیچ چیز نخواهد داشت. دوم، شما متوجه خواهید شد که مسیح سر است. در برخی ترجمه‌ها، عبارت «مسیح سر است» در همان سطری آمده است که گویی او رئیس همه قوانین و قدرت‌ها است، که او را رئیس بر آنها می‌کند.

اما اگر آن کلمات مربوط به قوانین و قدرت‌ها را به معنای حاکمان و قدرت‌ها ترجمه کنید، او می‌گوید که مسیح در واقع بالاتر از همه این ریاست‌ها و قدرت‌ها است. بنابراین، رئیس در اینجا لزوماً به معنای نفر اول در صف یا نفر اول در میان افراد برابر یا کسی که برتر است نیست، بلکه کسی است که ریاست را بر عهده دارد و همه آنها را کنترل می‌کند. او قدرت دارد که آنها را زیر نظر خود قرار دهد.

پس در مسیح است که ختنه شده‌اید، آیه ۱۱. بنابراین، ممکن است متوجه شده باشید که مسیح در همه چیز و هر چیز، در مرکز بسیاری از چیزها در اینجا حضور دارد. اما بیایید مکث کنیم و در مورد این کلمه ختنه، فکر کنیم.

معنی آن چیست؟ و شاید باید آیه ۱۱ را بخوانم. در او نیز ختنه شده‌اید، با ختنه‌ای که بدون دست انجام شده، یعنی با کنار گذاشتن بدن جسمانی، به وسیله ختنه مسیح، که با او در تعمید دفن شده‌اید، که در آن نیز با او از طریق ایمان به کار قدرتمند خدا که او را از مردگان برخیزانید، برخیزانیده شده‌اید. ختنه در اینجا به چه معناست؟ ختنه در بسیاری از جاهای کتاب مقدس معانی بسیاری دارد، و می‌دانید که وقتی به ختنه فکر می‌کنیم، یکی از اولین چیزهایی که احتمالاً به ذهن‌خطور می‌کند، ختنه با دست است.

اما ما همچنین می‌دانیم که در این متن به وضوح بیان شده است که این به ختنه دستی اشاره ندارد. بنابراین اینجا چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، ممکن است این را بخوانید و بگویید که این ممکن است به ختنه از نظر تغییر مذهب به مسیحیت اشاره داشته باشد. آیا همین است؟ آیا ختنه مسیح، تغییر مذهب به مسیحیت است؟ برخی از مفسران برای این موضوع استدلال خواهند کرد.

یا اینکه به غسل تعمید یا ختنه به عنوان یک آیین عهد اشاره دارد؟ به نظر نمی‌رسد که متن، این موضوع را کاملاً روشن کند. بنابراین، این یکی از نامحتمل‌ترین روش‌های تفسیر متن است. محتمل‌ترین روش تفسیر ختنه در این آزمون خاص، همانطور که اکثر مفسران اخیر موافقند، این است که آن را به عنوان استعاره‌ای برای رنج و مرگ مسیح در نظر بگیریم.

بنابراین اگر رنج و مرگ مسیح را در ذهن دارید، بیایید دوباره به متنی نگاه کنیم که می‌گوید: «در او، در مسیح نیز، ما ختنه شدیم، با ختنه‌ای که بدون دست انجام شد، یعنی با کنار گذاشتن بدن جسمانی توسط ختنه مسیح، و با او در تعمید دفن شدیم، که در آن شما نیز با او از طریق ایمان به کار قدرتمند خدایی که او را از مردگان برخیزانید، برخیزانیده شدید.» همانطور که در میان برخی از مفسران بعدی می‌بینیم برگرداندن تعمید به متن بسیار بسیار آسان است. اما اگر ختنه را تعمید در نظر بگیرید و آن را چنین بخوانید، دستور زبان دشوار به نظر می‌رسد.

اما اگر آن را بیشتر به نوعی رنج، نوعی یکی شدن با مسیح ببینید، آنگاه شروع به معنا پیدا کردن می‌کند. پولس، با نگاهی به این نصیحت مسیح، این واقعیت را برجسته می‌کند که در مسیح، کسانی که در گناهان مرده‌اند زنده می‌شوند - آیه ۱۳.

شاید اگر به این آزمون درست روبروی خود نگاه کنید، متوجه یک ویژگی جالب در آن شوید. و اگر اشکالی ندارد، می‌توانید مکث کنید و سپس با دقت به کتاب مقدس خود نگاه کنید. خواهید دید که آنچه از نظر جسمی برای مسیح اتفاق افتاده است، با عباراتی مشابه با آنچه از نظر روحی برای مؤمنان اتفاق می‌افتد، توصیف شده است.

مسیح مُرد. ایمانداران در گناهان و خطاهای خود مرده بودند. قدرت خدا او را از مردگان برخیزانید.

خدا این مؤمنان را از حالت مرگ در گناهان برمی‌خیزاند تا با مسیح باشند. پولس در مسیح تأکید می‌کند. مسیحیان در مسیح به چیزی دست یافته‌اند.

و در واقع، بدهی آنها به خدا بخشیده شده است. من نمی‌دانم از دوران دانشجویی‌ات چقدر بدهی داری. من هم مثل من نمی‌دانم چقدر بابت وام مسکن بدهی داری.

و نمی‌دانم چقدر نگران بدهی‌هایتان هستید و اینکه چطور این بدهی‌ها احتمالاً بار سنگینی بر دوشتان می‌گذارد و گاهی شما را در موقعیتی قرار می‌دهد که تمایل دارید از برخی از اعتقاداتتان کوتاه بیاید تا بتوانید برخی از آن نیازها را برآورده کنید. پولس می‌گوید در مسیح، بدهی بخشیده می‌شود.

دیگر بدهکار نیستی. می‌توانی آرامش خاطر داشته باشی. تسلیم فریب اطرافیانت نشو.

او در ادامه اشاره می‌کند که در واقع، قدرت‌هایی که مسئول هستند، منظورم قدرت‌های شیطانی معنوی است که مسئول ایجاد انواع مشکلات هستند، خلع سلاح شده‌اند. و به تصویرسازی نگاه کنید. چه تصویرسازی زیبایی.

آن را لغو کرد. او، IOU، اول، از آیه ۱۴، با لغو سابقه بدهی‌هایی که با هر مطالبه قانونی علیه ما بودند، یعنی، این را کنار گذاشت و آن را به صلیب می‌خکوب کرد. آیه ۱۵، او با پیروزی بر حاکمان و قدرت‌ها در خود، آنها را خلع سلاح کرد و آشکارا رسوا ساخت.

تصویر این است. به یک شخصیت قدرتمند فکر کنید. به جالوت فکر کنید، که شاید از جالوتی که در کتاب مقدس تصور می‌کنید، قدرتمندتر باشد، اما در عین حال ترسناک هم هست، رعب‌آور است، منظورم این است که باعث می‌شود شما کوچک شوید.

و به شخصیتی قدرتمند به نام مسیح فکر کنید که با قدرت خدا می‌آید و می‌آید، این شخصیت قدرتمند را خلع سلاح کنید، او را به هیچ تبدیل کنید و سپس او را در معرض دید عموم قرار دهید. تصویری که در حال وقوع است، تصویری کامل از آنچه در دنیای باستان اتفاق می‌افتاد، زمانی که آنها نبردهایی داشتند، در نبردها پیروز می‌شدند و به خانه بازمی‌گشتند. معمولاً وقتی در نبردها پیروز می‌شدند و می‌توانستند پادشاه یا فرمانده نظامی را اسیر کنند، پیروزمندانه می‌آمدند، غنایم و اسیران خود را به نمایش می‌گذاشتند و در خیابان‌هایشان قدم می‌زدند و رژه می‌رفتند.

این نشانه‌ی بزرگی از پیروزی برای کسانی است که در نبرد پیروز شده‌اند. همچنین نشانه‌ی بزرگی از تحقیر برای کسانی است که در نبرد شکست خورده‌اند، زیرا قوی‌ترین رهبر آنها در جنگ اکنون در دست دشمنانشان است. در اینجا می‌بینیم که پولس می‌گوید که او با پیروزی بر حاکمان و قدرت‌ها در وجود خود، آنها را خلع سلاح کرده و آشکارا رسوا کرده است.

به عبارت دیگر، اگر در کولوسیا زندگی می‌کنید، ممکن است به خدای دمترا فکر کنید. حتی ممکن است به اسکلیپوس، خدای شفا، که می‌دانیم معبدش در آنجا وجود داشته است، فکر کنید. ممکن است به گروه‌های مذهبی دیگر فکر کنید و متوجه خواهید شد که همه این تأثیرات در واقع وجود دارند و تسلیم شدن در برابر نفوذ آنها بسیار آسان است.

پولس می‌گوید، یک لحظه صبر کنید، هر قدرتی که آنها فکر می‌کنند در مقایسه با مسیح دارند، آنقدر قدرتمند نیستند. و بنابراین، جایگاه خود را در مسیح حفظ کنید. من دوست دارم مور این موضوع را در مورد بدهی لغو شده بیان کند.

او می‌نویسد که تصویر اول پولس، سندی را به تصویر می‌کشد که در آن همه انسان‌ها یک سند بدهی را امضا کرده‌اند که در آن ما وفاداری کامل خود را به خدا اعلام می‌کنیم. گناهان ما به عنوان مدرک (IOU) قطعی مبنی بر عدم وفاداری ما به خدا باقی می‌مانند. و بنابراین، این سندی علیه ماست و ما را محکوم می‌کند.

اما خدا آن سند را برداشته و پاک کرده است. در واقع، او آن را کاملاً از صحنه روزگار محو کرده است. در واقع، او در تصویری ثانوی، هم بر کامل بودن حذف و هم بر وسیله‌ای که با آن این کار انجام شده است، تأکید کرده است.

او آن را به صلیب کشید. این یک سند محرمانه نیست. این یک معامله‌ی لعنتی است.

پس اگر چنین است، از خواندن این سخنان چه لذتی می‌برید؟ و شما که در گناهان و نامختونی جسم خود مرده بودید، خدا با او حیات بخشید - او تمام گناهان ما را بخشید و سند بدهی‌هایی را که با الزامات قانونی‌اش علیه ما بود، به ما نشان داد. او این را کنار گذاشت و آن را به صلیب می‌خکوب کرد.

او با پیروزی بر حاکمان و قدرت‌ها در وجود خود، آنها را خلع سلاح کرد و آشکارا رسوا ساخت. حال که این را درک می‌کنید، اگر کسی چیزی غیر از مسیح به شما پیشنهاد دهد تا در زندگی خود احساس امنیت، آرامش و رفاه داشته باشید، آیا تسلیم می‌شوید؟ این دقیقاً همان کاری است که پولس در اینجا انجام می‌دهد: تشویق کلیسا به حفظ ایمان خود به مسیح و داشتن زندگی‌ای که او را جلال دهد. در آیات ۱۶ و ۱۹، ما در اینجا الگوی جالبی را می‌بینیم.

بنابراین، او می‌نویسد، بر اساس آنچه قبلاً گفته‌ام، هیچ‌کس شما را قضاوت نکند. اکنون، این در توان شماست. و خواهید دید که از اینجا به بعد، او واقعاً منحنی را تغییر خواهد داد و از آیه ۱۶ می‌گوید، نباید به هیچ‌کس اجازه دهید شما را قضاوت کند.

در آیه ۱۸، او می‌گوید، نباید اجازه دهید کسی شما را رد صلاحیت کند. و همچنان که پیش می‌روید، او همچنان به شما خواهد گفت، باید مطمئن شوید که اجازه نمی‌دهید کسی شما را عقب نگه دارد. این در توان شماست زیرا منابع لازم به شما داده شده است.

در اینجا، آنچه از ابتدای فصل دوم درمی‌یابیم این است که پولس به وضوح بیان کرده است که همانطور که آنها مسیح عیسی خداوند را پذیرفته‌اند، باید در او سلوک کنند. سلوک در او مستلزم ریشه دواندن، استوار شدن و محکم شدن در اوست. در نتیجه، زندگی‌ای که قرار است در مسیح زیسته شود، باید زندگی‌ای باشد که تسلیم همه این فریب‌هایی که از انسان‌ها یا سنت‌های انسانی یا از روح ابتدایی ناشی می‌شود، نشود.

چرا؟ چون آنها در مسیح نیستند. در نتیجه، پولس استدلال خواهد کرد و آنچه را که با مسیح اتفاق افتاده است، به روشنی اثبات خواهد کرد. بله، در مسیح، دشمن شکست خورده است.

چیزهایی که باید ما را به سمت دیگری هدایت کنند، هیچ تسلطی بر ما ندارند. و بنابراین، می‌توانیم تمرکز خود را حفظ کنیم و فقط به او ایمان داشته باشیم. تاکنون در این سخنرانی، مقدمه، فصل اول را پوشش داده‌ایم.

در فصل دوم، توجه شما را به موضوع مورد بحث در تحقیق در مورد فصل دوم، آیات یک تا پنج، جلب کردم. همچنین به شما یادآوری کردم که اصل مطلب در کولسیان، فصل دوم، آیات شش و هفت است. و سپس، به بحث در مورد آیات هشت تا پانزده پرداختیم، جایی که در واقع شاهد بسط آن گزاره‌تر هستیم که ایمان کلیسا را پایه‌گذاری می‌کند.

وقتی در فصل بعدی برگردیم، این بار مسئولیت شخصی را به شما یادآوری خواهیم کرد، حالا که آنها می‌دانند چه می‌دانند، چه چیزی به آنها آموخته شده است و چه چیزی را باور کرده‌اند. و با توجه به منابعی که به آنها داده شده است، چه چیزی از آنها خواسته شده است که مقاومت کنند. امیدوارم از سخنرانی مطالعات کتاب مقدس در مورد نامه‌های زندان تا اینجا لذت برده باشید.

بیشتری در راه است. پس به مطالعه با ما ادامه دهید. متشکرم.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه چهارم، اصل مطلب، کولسیان ۲ است.